



پژوهشنامه حقوق کیفری

سال یازدهم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۹

شماره پانزدهم

مقاله: پژوهشی صفحات ۲۹۷-۳۲۱



انجمن ایرانی حقوق جزا

DOI:10.22124/ol.2021.17748.1994

امنیت حقوقی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها در پرتو تضمینات عدالت رویه‌ای

دکتر اسداله یآوری^۱

رضا پرستش^۲ ✉

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۵

چکیده

ساختار حقوقی نظام آموزش عالی بر قوانین و رویه‌های معین هیئت‌های خاصی مبتنی است. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، درصدد مطالعه مؤلفه‌های امنیت حقوقی در عدالت رویه‌ای است. تشتت مراجع تصمیم‌گیری، قواعد ناهمگون و نظام حقوقی نامنسجم در آموزش عالی ایران نشان می‌دهد تحقق امنیت حقوقی در پرتو عدالت رویه‌ای درباره اعضای هیئت علمی با چالش‌های بیشتری روباروست. پاسداشت حق دادخواهی و دسترسی به مرجع صالح رسیدگی، رعایت منع محاکمه مجدد، اصل برائت، علنی بودن رسیدگی، امکان دفاع یا لزوم تساوی طرفین دعوی، مستدل و موجه بودن آراء، اصل بی‌طرفی، حق اعتراض و تجدیدنظرخواهی و نیز انجام کامل تشریفات رسیدگی، از مهم‌ترین مصادیق تضمینات عدالت رویه‌ای مبتنی بر اصل امنیت حقوقی در حوزه آموزش عالی است. این پژوهش دریافته است که کوشش در راه پاسداشت هر یک از تضمینات پیش‌گفته در قبال دادخواهی اعضای هیئت علمی در مراجع انضباطی می‌تواند به تحقق حداکثری امنیت حقوقی آنها یاری رساند.

واژگان کلیدی: دادرسی منصفانه، آموزش عالی، عدالت رویه‌ای، اصل امنیت حقوقی، اعضای هیئت علمی

۱. استادیار حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران و مربی گروه حقوق دانشگاه گیلان، رشت، ایران

مقدمه

امنیت دانش-واژه‌ای مهم در علوم انسانی است که تاکنون از چشم‌اندازهای گوناگون به آن پرداخته شده است. در منشور بین‌المللی حقوق بشر نیز بر حق بر امنیت تأکید شده است و از همین رو کوشش برای پاسداری از این حق در سطوح گوناگون و به‌ویژه در برابر مخاطرات همیشگی، یکی از معیارهای مهم برای تحقق سنج به‌زام‌داری است.

نظام آموزش عالی نیز یکی از سازه‌های مهم نظام اجتماعی است که از دیرباز کارکردهای بسیار مهمی برای آن شناخته شده است. تربیت نیروی انسانی کارآمد، نهادینگی ارزش‌های اجتماعی و بدین ترتیب پاسداری از ثبات جوامع هنگامی به وقوع می‌پیوندد که دانشگاه‌ها بتوانند در پرتو برنامه‌های آموزشی و نیز برنامه پنهان خود، افزون بر روزآمدسازی دستاوردهای فکری، دانش‌آموختگانی آگاه و مجهز به نوین‌ترین یافته‌های علمی را به جامعه تقدیم کنند.

تردیدی وجود ندارد که همانند هر یک از دیگر سطوح جامعه، کنشگران نظام آموزش عالی نیز باید از امنیت حقوقی مناسبی برخوردار باشند تا بتوانند رسالت‌های از پیش‌برنامه‌ریزی شده خود را به خوبی انجام دهند. هر گونه کاستی در این مؤلفه مهم می‌تواند با ناکارآمدسازی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور، سبب شود که پیامدهای نامطلوب دیگری نیز تحقق یافته و بدین-ترتیب توسعه پایدار کشور با چالش‌های بسیاری مواجه شود.

نظام حقوقی دانشگاهی در ایران متشکل از مجموعه قواعد و مقرراتی است که تأسیس و ارائه خدمات دانشگاهی در ایران را تسهیل می‌نماید. تأسیس دانشگاه در کشور به قبل از وقوع انقلاب اسلامی بر می‌گردد. ابتدا تأسیس دانشگاه در ایران براساس نظام‌ها و قوانین خاص صورت گرفت و در ادامه پاره‌ای از مقررات عمومی بر نظام دانشگاهی برقرار گردید و نظم حقوقی فعلی را ایجاد کرد. این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی نگاشته شده، در صدد است تا بایسته‌های تضمین امنیت حقوقی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور را بر پایه تضمینات کیفری و فراکیفری شناخته‌شده در سنج عدالت رویه‌ای بررسی کند. در این راستا در آغاز به اصل امنیت حقوقی، تضمین آن و نیز جلوه‌های این تضمین در مقررات پرداخته شده است. در ادامه نیز اصل امنیت حقوقی مبتنی بر عدالت رویه‌ای و نیز مصادیق تضمینات عدالت رویه‌ای مبتنی بر اصل امنیت حقوقی در حوزه آموزش عالی بررسی شده‌اند.

۱. اصل امنیت حقوقی

برای آن که بتوان امنیت حقوقی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها را در پرتو مؤلفه‌های مهم و سرنوشت‌سازی همانند تضمینات عدالت رویه‌ای بررسی کرد، لازم است که در آغاز این دانش-واژه



را به صورت کامل تبیین کرد. از همین رو در این قسمت به مفهوم امنیت و تضمین و جایگاه آن در قوانین و مقررات پرداخته می شود.

۱.۱. مفهوم شناسی

امنیت را در لغت، ایمن شدن، در امان ماندن و بی بیمی (معین، ۱۳۶۳: ۳۵۴) و نیز حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله گویند (آشوری، ۱۳۶۶: ۳۸). امنیت به عنوان یک مقوله پیچیده و چند وجهی شناخته می شود. این دانش-واژه شامل امنیت عینی و ذهنی است. امنیت عینی به معنی تهدید نکردن و امنیت ذهنی به معنای احساس ایمنی است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶: ۱۹). نیاز به امنیت قبل از هر چیز با ایجاد سیستم حقوقی تأمین می شود. کار اولیه این سیستم، استقرار نظم در جامعه با قواعد و مقرراتی است که به طور کلی باید از ضمانت اجرای مؤثر برخوردار باشند. این نوع امنیت، امنیتی است که با حقوق به وجود می آید. امنیت دیگری نیز وجود دارد که به آن امنیت در حقوق می گویند. این نوع امنیت که امنیت در مفهوم خاص کلمه است در دو حوزه ظاهر می شود: یکی در نظام حقوقی به طور کلی (امنیت حقوقی عینی) و دیگری در روابط حقوقی میان طرفهای معین (امنیت حقوقی شخصی). (فلسفی، ۱۳۹۰: ۴۱۲). بی شک حق امنیت را نمی توان محدود به مواردی کرد که گفته شد. در این تقسیم بندی ها عموماً امنیت حقوقی به دلیل عدم شناسایی در ادبیات حقوقی کشورمان مورد توجه قرار نگرفته است (توکلی، ۱۳۹۱: ۸).

همچنین علاوه بر وجود جرایم و برخی قوانین کیفری یا مدنی که احساس ناامنی را دامن می زند، برخی رویه ها، عدم رعایت آیین دادرسی منصفانه و عدم پایبندی به حقوق اساسی مندرج در قانون اساسی نیز احساس ناامنی را گسترش می دهد (آقابابایی، ۱۳۸۹: ۵۹). ضمن این که می توان اشاره داشت در زمینه هایی مقوله امنیت بیشتر در معرض تهدید قرار دارد. از جمله موضوع حریم خصوصی در عالم حقوق است که همواره در معرض نقض متصور است. چنین گفته شده که در صورت نبود متن قانونی برای شناخت مصادیق نقض موجه حریم خصوصی، این قاضی است که می تواند از محدودیت و بی محتوایی آزادی بیان جلوگیری کند. افزون بر آن، ممکن است استفاده از نهادهایی مانند دستور موقت، اطمینان خاطر از نقض نشدن ناموجه حریم خصوصی را فراهم کند (پرستش و موسوی زاده، ۱۳۹۴: ۷۹).

اصول حقوقی که به آن اصول کلی حقوقی نیز گفته می شود، در هر نظام حقوقی نقش و جایگاه ویژه ای دارند (حیاتی، ۱۳۹۷: ۱۷). در این خصوص لازم است به دو نکته توجه شود. اول حقوق دانان در تعریف مفاهیم حقوقی طبیعتاً، تحت تأثیر عوامل مختلفی همچون نگرش های فلسفی، مذهبی،

اخلاقی و فرهنگی هستند. به دلیل این که حقوق دانان از این حیث مبنای متفاوتی مدنظر قرار می دهند، لذا تعاریف آنها از مفاهیم حقوقی یکسان نیست. در تعریف اصل حقوقی نیز اختلاف نظر فراوان است. دوم، شناخت اصول حقوقی مستلزم پذیرش شیوه تفسیری است که چنین امکانی را برای حقوقدان فراهم سازد (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۹۳). در حقوق ایران، بحث‌های مبسوط و درخور توجهی در خصوص مفهوم اصول حقوقی دیده نمی‌شود. معدودی از حقوق دانان این مقوله را به صورت مختصر بررسی کرده‌اند.

افزون بر این باید خاطر نشان شود که اصول کلی حقوقی، قواعدی کلی به نظر می‌رسد که در تمامی نظام‌های حقوقی پذیرفته شده و شامل اساسی‌ترین احکام حقوقی هستند و بر تمامی احکام جزئی حقوق حاکم‌اند (جعفری تبار، ۱۳۸۳: ۱۹۸). این تعریف از اصول حقوقی با وجود این که کامل تر از تعاریف دیگر است، ولی از جنبه‌های مختلفی قابل انتقاد است. زیرا فقط به ویژگی عمومی و کلی بودن اصول حقوقی اشاره می‌کند. این در حالی است که تعداد زیادی از قواعد حقوقی نیز دارای چنین ویژگی هستند. یعنی تعداد زیادی از قواعد حقوقی مورد پذیرش عموم نظام‌های حقوقی قرار گرفته‌اند و در عین حال قلمرو موضوعی عام‌تری نسبت به سایر احکام دارند (حیاتی، ۱۳۹۷: ۱۹). در دکترین حقوقی ایران تعاریف همانندی نیز دیده می‌شود. برای نمونه گفته شده که اصول حقوقی، اصول کلی و دائمی هستند که منشأ وضع چند قاعده جزئی و نماینده ارزش‌های حقوقی حاکم بر جامعه به شمار می‌آیند (صادقی، ۱۳۹۴: ۴۳). این اصل، مفهوم دولت حقوقی را از نظامی شکلی به نظامی واجد الزامات ماهوی تغییر می‌دهد. به عبارت دیگر، اصل امنیت حقوقی، یکی از عواملی است که موجب نیل نظام مبتنی بر سلسله مراتب هنجارهای حقوقی به سوی مفاد این هنجارها می‌شود (ویژه و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۴).

به طور کلی باید دانست که اصل امنیت حقوقی از اصول حقوق عمومی است و به عنوان یکی از مبانی دولت حقوقی مطرح می‌گردد. همچنین در کارکرد عدالت، اصل امنیت حقوقی و اصل امنیت قضایی ارتباط دارند. اصل امنیت حقوقی با ترسیم چارچوب حقوقی وضعیت شهروندان، نوعی امنیت را برای آنها فراهم می‌آورد. این اصل در کنار اصل برابری، زمینه‌ساز غایت دولت حقوقی است که تضمین و حمایت از حقوق و آزادی‌های شهروندان است. دولت حقوقی، دولتی است که محصور در چارچوب حقوق و غایتش حمایت از حق‌ها و آزادی‌های شهروندان است.

ویژگی‌های نظام حقوقی که ریشه اصل امنیت حقوقی است عبارتند از:

۱- ثبات

۲- قطعیت قواعد موجود در آن نظام

۳- ایجاد اعتماد به نظام حقوقی

۴- تضمین حمایت دائمی از حقا و آزادی‌های شهروندان (ویژه، ۱۳۹۰: ۹۷)

اصل امنیت حقوقی در هر یک از سازه‌های شکلی و ماهوی خود پیامدهای سازنده‌ای را هم برای شهروندان آماج خود و هم برای نظام حقوقی کشور و از جمله نظام قضایی آن دارد. به گونه‌ای که باید امنیت حقوقی را در شمار اصول راهبردی نظام حقوقی دانست که همه سازه‌های آن را از خود متأثر می‌کند.

پاسداشت اصل امنیت حقوقی می‌تواند بسیاری از آرمان‌های پایدار نظام‌های حقوقی همانند اصل حاکمیت قانون را بیش از پیش تحقق بخشده و در راه نهادینگی جلوه‌های گوناگون آزادی‌های اساسی و حقوق شهروندی اثرگذار باشد. بنابراین مطالعه امنیت حقوقی در قبال موضوعی مشخص همانند اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور از این دیدگاه مهم است که می‌تواند زمینه مناسبی را برای پیاده‌سازی بسیاری از دیگر حقوق بنیادین آنها فراهم کند و بنابراین مفهوم بنیادین حکمرانی مطلوب را به خوبی محقق سازد. با توجه به آنچه که بیان شد، وقتی صحبت از کارکرد اصل امنیت حقوقی برای اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها می‌شود، تمامی ارکان این اصل محل نظر می‌باشد. این کنشگران به‌عنوان اشخاصی که نقش بسزایی در تربیت اقشار دانشجو و تحول علمی کشور، برعهده دارند، باید همواره در پرتو این اصل به ارائه خدمات خود ادامه دهند. اعمال اصل امنیت حقوقی و تضمین آن می‌تواند به اعتلای جایگاه اجتماعی و علمی اعضای هیئت علمی بیانجامد. بدین ترتیب در ادامه، به بررسی روش‌های تضمین این آرمان پرداخته می‌شود.

۲.۱. تضمین اصل امنیت حقوقی

پیشتر اصل امنیت حقوقی و مؤلفه‌های گوناگون آن بررسی شد. اما چگونگی تضمین آن نیز موضوع مهمی به نظر می‌رسد. چرا که یکی از بنیادی‌ترین آموزه‌های حقوقی، ضمانت‌اجراهای قواعد آن است. از همین رو با آگاهی از اهمیت و دامنه پیامدهای سازنده اصل امنیت حقوقی به ویژه درباره اعضای هیئت علمی لازم است آموزه مهم تضمین این اصل بررسی شود.

یکی از مباحث مهم در حقوق، تضمین‌های حقوقی است. تضمین اصل امنیت حقوقی، ابتدا به‌عنوان یک مقوله فکری مطرح است. بدین منظور، ضمانت‌اجرای اصل امنیت حقوقی، همچون ضمانت‌اجرای قانون قابل بررسی است. حقوق در چشم‌انداز گسترده خود دانشی هنجاری است و راهکار در دسترس برای پاسداری از ارزش‌های حمایت‌شده در آن پیش‌بینی ضمانت‌اجراهای گوناگونی است که در بسیاری از موارد نیز جنبه بازدارنده دارد. بنابراین

تضمین‌های پیش‌بینی شده برای اصل امنیت حقوقی اعضای هیئت علمی نیز می‌توانند کاستن از احتمال نقض آن را به همراه آورند.

همچنین باید به یاد داشت که ضمانت اجرا به قلمرو و اثر و سودمندی و نفوذ قانونی قاعده حقوقی پیوند می‌گیرد و نه به زمینه اعتبار و حرمت آن. در اصل، ضمانت اجرا برای پشتیبانی از رعایت و اجرای امر و نهی‌های حقوقی است. به گفته «هانس کلسن اتریشی»، حقوق یعنی به اجرا درآوردن رفتار و کردار دمساز و هماهنگ با نظم مستقر و پا گرفته. از دیدگاه او، حقوق یعنی نظم اجباری و سازمان فشار و قدرت. آدمسون هائبل؛ انسان‌شناس آمریکایی حقوق را هنجاری اجتماعی تعریف می‌کند که شکستن آن با ترس و تهدید یا در حقیقت با کاربرد فشار بدنی همراه است که به دست گروهی اجتماعی، که از امتیاز شناخته شده انجام دادن چنین کاری برخوردارند، ضمانت اجرا یافته است. ماکس وبر؛ جامعه‌شناس آلمانی می‌گوید: «نظمی را قانون می‌خوانیم که از نظر خارجی با این احتمال که اجبار (مادی یا معنوی) و الزام آفرین است و انتقام شکستن و زیر پا گذاشتن قانون را می‌گیرد و به وسیله گروهی از مردم که خود را آماده چنین (امری) کرده اند اجرا خواهد شد، تضمین یافته است» (ساکت، ۱۳۸۷: ۴۴۹، ۴۴۸). تضمین اصل امنیت حقوقی در دو حوزه قوانین و رویه قضایی مطرح می‌شود که در ادامه به بررسی آنها پرداخته می‌شود.

۱.۳. تضمین اصل امنیت حقوقی در قوانین و مقررات

اصل امنیت حقوقی به عنوان یک اصل کلی، متعلق به تمامی افراد ملت است و از این حیث، تفاوتی میان اعضای هیئت علمی به عنوان موضوع این نوشتار و دیگر افراد وجود ندارد. این اصل به صورت پراکنده در قوانین و مقررات کشور، چهره یافته است. از جمله در اصولی از قانون اساسی همچون اصل سوم (به ویژه بند هفتم آن) و اصل بیست و دوم نمایان است.

در پاره‌ای از مقررات نرم همچون منشور حقوق شهروندی جمهوری اسلامی ایران نیز پی در پی به نمادهای امنیت حقوقی شهروندان و تکالیف دولت در این باره پرداخته شده است.^۱ از همین رو

۱. از جمله، در ماده ۱۲ منشور حقوق شهروندی آمده است: «آزادی‌های فردی و عمومی شهروندان مصون از تعرض است. هیچ شهروندی را نمی‌توان از این آزادی‌ها محروم کرد. محدود کردن این آزادی‌ها تنها به قدر ضرورت و به موجب قانون، صورت می‌گیرد». همچنین ماده ۱۳ منشور مقرر می‌دارد: «هر شهروندی حق دارد از امنیت جانی، مالی، حیثیتی، حقوقی، قضایی، شغلی، اجتماعی و نظایر آن برخوردار باشد. هیچ مقامی نباید به نام تأمین امنیت، حقوق و آزادی‌های مشروع شهروندان و حیثیت و کرامت آنان را مورد تعرض و تهدید قرار دهد. اقدامات غیرقانونی به نام تأمین امنیت عمومی به ویژه تعرض به حریم خصوصی مردم ممنوع است». همچنین به موجب ماده ۱۴ این منشور: «شهروندان حق دارند در صورت تعرض غیرقانونی به آزادی و امنیت خود، در حداقل زمان ممکن و با نهایت سهولت به مراجع و مأموران تأمین‌کننده امنیت عمومی، دسترسی داشته باشند. مراجع و مأموران مذکور باید بدون وقفه و تبعیض

می‌توان بر این باور بود که افزون بر سازه‌های نظام حقوقی، دولت نیز مکلف است با استفاده از همه امکانات و در راه تحقق هر چه بیشتر اصل امنیت حقوقی و تضمین فراگیر آن در جامعه بکوشد. قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات مصوب ۱۳۸۸/۵/۳۱ و در فصل چهارم تحت عنوان استثنائات دسترسی به اطلاعات و در جهت حمایت از حریم خصوصی چنین بیان کرده است: «چنانچه اطلاعات درخواست شده مربوط به حریم خصوصی اشخاص باشد و یا در زمره اطلاعاتی باشد که با نقض احکام مربوط به حریم خصوصی تحصیل شده است، درخواست دسترسی باید رد شود». با بررسی قوانین و مقررات در حوزه آموزش عالی، به سختی می‌توان ماده‌ای را یافت که مرتبط با حریم خصوصی که مصدافی از اصل امنیت حقوقی است، باشد. برای نمونه در بند ۱۱ ماده ۲ قانون اهداف، وظایف و تشکیلات وزارت علوم، تحقیقات و فناوری مصوب ۱۳۸۳/۵/۱۸ مصوب مجلس شورای اسلامی، مقرر گردیده: «اتخاذ تدابیر و ارائه پیشنهاد های لازم جهت حفظ دانشمندان و محققان و تأمین امنیت شغلی آنان و استفاده بهینه از توانمندی‌های آنها.» همان‌گونه که ملاحظه می‌شود تنها مقوله امنیت و بعد شغلی آن مدنظر مقنن بوده است و از حریم خصوصی و سایر مصادیق اصل امنیت حقوقی افراد مشمول حوزه آموزش عالی صحبت نشده است و نیز تنها دانشمندان و محققان مورد حمایت مقنن واقع شده‌اند و مشخص نیست که این حمایت شامل همه اعضای هیئت علمی دانشگاهی می‌شود یا نه.

در مقرر سیاست‌های کلی نظام برای رشد و توسعه علمی و تحقیقاتی کشور در بخش آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی، ابلاغی ۱۳۸۳/۱۲/۱۵، مقوله حفظ و رعایت حریم خصوصی لحاظ نگردیده است. همچنین در ماده ۳۱ قانون مطبوعات مصوب ۲۲/۱۲/۱۳۶۴ با آخرین اصلاحات تا تاریخ ۱۳۸۸/۹/۸ در راستای حمایت از حریم خصوصی آمده است: «انتشار مطالبی که مشتمل بر تهدید به هتک شرف و یا حیثیت و یا افشای اسرار شخصی باشد، ممنوع است و مدیر مسئول به محاکم قضایی معرفی و با وی طبق قانون تعزیرات رفتار خواهد شد».

در این راستا می‌توان به ارزیابی امنیت حقوقی و شغلی اعضای هیئت علمی پیمانی پرداخت. این دسته از کنشگران نظام آموزش عالی اگر بخواهند موقعیت شغلی خود را تثبیت کنند و از امنیت حقوقی بیشتری در ادامه خدمت برخوردار گردند باید برای تبدیل وضعیت استخدامی خود به رسمی-آزمایشی و سپس رسمی-قطعی اقدام نمایند.

و متناسب با تعرض یا تهدیدی که متوجه شهروندان شده است و با رعایت قوانین خدمات خود را ارائه دهند. در مقررات کیفری، اصل امنیت حقوقی به اشکال مختلفی مورد تاکید قرار گرفته است.

در آیین‌نامه استخدامی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها مورخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۷ هر فرد دارای وضعیت پیمانی باید ۷۰ درصد امتیازات مندرج در آیین‌نامه ارتقاء مرتبه را کسب می‌نمود.^۱ کسب این امتیاز برای افرادی که سال‌های کمی از زمان استخدام آنها می‌گذشت، کار مشکلی بود و امنیت حقوقی استخدامی آنها را به مخاطره می‌افکند. در سال ۱۳۹۶ هیئت عالی جذب طی مصوبه‌ای با توجه به برخورداری یا عدم برخورداری بودن دانشگاه‌ها، حداقل و حداکثری را برای تغییر وضعیت استخدامی به هیئت‌های امنای ابلاغ کرد که برای مریبان ۳۰ تا ۴۵ درصد برای استادیاران ۶۰ تا ۸۰ درصد آیین‌نامه ارتقا بوده است. در این مورد دانشگاه گیلان به عنوان دانشگاه برخوردار نصاب ۴۵ درصد را برای ارتقای مریبان در نظر گرفت و برای استادیاران نیز ۸۰ درصد حداقل امتیازات برای ارتقای مرتبه به دانشیاری را تصویب نمود که اعضای هیئت علمی با کسب این امتیاز می‌توانند به وضعیت رسمی آزمایشی تغییر وضعیت یابند. (مقرره اصلاحی آیین‌نامه استخدامی اعضای هیئت علمی مصوب ۱۳۹۷ هیئت امنای دانشگاه گیلان) دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی نیز چنین حد نصابی را برای تغییر وضعیت اعضای هیئت علمی خود مقرر کردند.

اعضای هیئت علمی پیمانی با حداقل ۲ و حداکثر ۵ سال سابقه می‌توانند درخواست تبدیل وضعیت به رسمی-آزمایشی را بنمایند. هیئت عالی جذب شورای عالی انقلاب فرهنگی با صدور مصوبه اصلاح امتیازات مورد نیاز برای تبدیل وضعیت استخدامی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی پژوهشی ۱۳۹۶، متناسب با برخوردار و یا غیربرخوردار بودن دانشگاه، حداقل و حداکثر امتیازات لازم را برای تبدیل وضعیت استخدامی کسب ۶۰ تا ۸۰ درصد امتیاز آیین‌نامه ارتقا دانسته است. در این باره، دانشگاه گیلان برای تبدیل وضعیت یادشده، حد نصاب ۴۵ درصد را مقرر کرد. اما در مقرره اصلاحی ۱۳۹۷، سازوکار کمابیش دشوار دیگری در این باره مقرر شد. چرا که اعطای مهلت‌های یک ساله به عضو هیئت علمی به ارائه شناسنامه علمی مبنی بر کسب نصاب‌های سه‌گانه و تصاعدی بر مبنای سال خدمت برای تبدیل وضعیت شد.^۲ بدین ترتیب

۱. ماده ۱۲ آیین‌نامه استخدامی اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، پژوهشی و فناوری مصوب ۱۳۹۰ مقرر می‌دارد: «دانشگاه می‌تواند وضعیت استخدام اعضای پیمانی (به استثنای اعضای پیمانی مشمول ماده «۱۱» این آیین‌نامه) را پس از احراز شرایط ذیل و تأیید مراجع ذیصلاح به رسمی آزمایشی تبدیل نماید...ج- کسب حداقل ۷۰ درصد امتیازات تعیین‌کننده در آیین‌نامه ارتقا هیئت علمی برای ارتقا به مرتبه بالاتر یا ضوابط جایگزین، بنا به درخواست عضو، موافقت هیئت اجرایی جذب دانشگاه و تأیید هیئت مرکزی جذب.»

۲. ماده ۱۳: «در صورتی که عضو در پایان دوره پیمانی، شرایط ادامه خدمت و یا تبدیل وضعیت به استخدام رسمی آزمایشی را کسب ننماید، به یکی از روش‌های ذیل با وی رفتار خواهد شد:

سختگیری موجود در نظام آموزش عالی در این باره و اثر آن بر امنیت حقوقی اعضای هیئت علمی یادشده به خوبی آشکار است.

در مورد تبدیل وضعیت رسمی آزمایشی به رسمی قطعی نیز ماده ۱۵ آیین‌نامه مقرر داشته با پایان مدت ۵ سال و عدم تحقق شرایط تبدیل وضعیت، عضو هیئت علمی در صورت دارا بودن شرایط، بازنشسته می‌شود و در غیر این صورت مؤسسه می‌تواند با مجوز هیئت رئیسه مؤسسه حداکثر در دو مهلت یک ساله، مشروط به کسب به ترتیب ۵۵ و ۷۰ درصد حداقل امتیاز آیین‌نامه ارتقا وضعیت وی را تبدیل کند. در غیر این صورت در سال سوم با مجوز هیئت رئیسه مؤسسه در مؤسسات بزرگ و مجوز هیئت امنای مؤسسات کوچک، حداکثر در یک نوبت یک‌ساله دیگر، مشروط به کسب ۸۵ درصد حداقل امتیازات تعیین‌شده فوق تبدیل وضعیت صورت می‌گیرد. در صورت عدم پذیرش درخواست تبدیل وضعیت از رسمی آزمایشی به رسمی قطعی، وضعیت وی به استخدام پیمانی با حفظ پایه‌های قبلی و تأیید هیئت اجرایی جذب مؤسسه تغییر می‌یابد. در این صورت اگر عضو هیئت علمی قبلاً از کارمندی به هیئت علمی تغییر وضعیت یافته بود، مجدداً به کارشناس رسمی تبدیل وضعیت می‌شود.

۲. اصل امنیت حقوقی مبتنی بر عدالت رویه ای

ارزیابی اصل امنیت حقوقی اعضای هیئت علمی از دیدگاه عدالت رویه‌ای دارای اهمیت بسیار است. عدالت رویه‌ای، نوعی از برقراری عدالت است که در پرتو رویه قضایی صورت می‌گیرد. عدالت رویه‌ای مفهومی برگرفته از عدالت قضایی است. منظور از عدالت قضایی، رسیدگی منصفانه، بی‌طرفانه و ضابطه‌مند به دعاوی، تظلمات و جرایم توسط مقامات قضایی می‌باشد (حاجزاده، ۱۳۹۵: ۷۱). عدالت قضایی را دادرسی عادلانه و منصفانه نیز می‌گویند که عبارت است از تضمیناتی کلی که به منظور

الف- اعطای مهلت با مجوز هیأت رئیسه مؤسسه حداکثر در یک نوبت یک ساله (سال ششم) مشروط به ارائه شناسنامه علمی مورد تأیید کمیسیون تخصصی هیأت مدیره ذیربط مبنی بر کسب ۵۵ درصد حداقل امتیازات تعیین‌شده برای تبدیل وضعیت به رسمی آزمایشی.

ب- اعطای مهلت با مجوز هیأت رئیسه مؤسسه حداکثر در یک نوبت یک ساله (سال هفتم) مشروط به ارائه شناسنامه علمی مورد تأیید کمیسیون تخصصی هیأت مدیره ذیربط مبنی بر کسب ۷۰ درصد حداقل امتیازات تعیین‌شده برای تبدیل وضعیت به رسمی آزمایشی.

ج- اعطای مهلت با مجوز هیأت امنای مؤسسه حداکثر در یک نوبت یک ساله (سال هشتم) مشروط به ارائه شناسنامه علمی مورد تأیید کمیسیون تخصصی هیأت مدیره ذیربط مبنی بر کسب ۸۵ درصد حداقل امتیازات تعیین‌شده برای تبدیل وضعیت به رسمی آزمایشی.

د- خاتمه خدمت عضو «اصلاحی ۱۳۹۷/۶/۱۴ هیأت امنای دانشگاه گیلان»»

رعایت حقوق طرفین در فرآیند دادرسی انواع دعاوی نزد دادگاهی صلاحیت‌دار، مستقل، بی‌طرف و قابل پیش‌بینی در مکانیسم قضایی پیش‌بینی شده است (حسینی، ۱۳۹۳: ۵). در این راستا عملکرد بدون تبعیض نظام قضایی از شروط حصول امنیت است. عملکرد صحیح دستگاه قضایی در برخی موارد و عملکرد غیر صحیح یا دیر هنگام در موارد دیگر، امنیت‌آفرین نیست و وجود تبعیض در شیوه عمل و فرایند قضاوت و احکام صادره نه تنها برخی شاخص‌های عینی امنیت قضایی را زایل می‌کند، بلکه از طریق تأثیرگذاری منفی در ذهنیت مردم، اطمینان را از اذهان ایشان فراری می‌دهد و می‌تواند آثار عمیقی در کنش متقابل مردم و دستگاه قضایی بر جای بگذارد. «(علینقی، ۱۳۷۹: ۵۸) در نظام اجتماعی امروز، وحدت رویه، یکی از عوامل بسیار مهم امنیت در دستگاه قضایی است. ممکن است بحث اصولی درباره اشخاص وجود داشته باشد که رعایت آن الزامی است. با بازگشت به مفهوم نظم حقوقی، مجموعه‌ای از قواعد دیده می‌شود که همه باید آن را پذیرفته و به اجرا گذارند و یکی از مقتضیات نظم حقوقی فهم مشترک از قواعد حقوقی است، به طوری که قانون موجود و دستوری که قانون صادر می‌نماید برای کلیه کسانی که در عمل با آن مواجه هستند به یک صورت درک شده و بدان عمل گردد (نوروزی، ۱۳۷۹: ۷۵). بنابراین، اعتماد شهروندان به قوه قضائیه توانمند و سالم، احترام و التزام به قانون و تساوی تمام افراد جامعه در برابر قانون، امنیت قضایی را تشکیل می‌دهد (سیفی زیناب، ۱۳۹۵: ۱۶۵).

در ارزیابی عدالت رویه‌ای اعضای هیئت علمی، کلیه منابع نهادهای قضایی مورد توجه قرار می‌گیرد. در این میان اصول حاکم بر دادرسی و نیز اسناد گوناگون بین‌المللی اهمیت دارند. شناخت ماهیت این اسناد و اعمال آنها بر رسیدگی در مراجع قضایی با چالش‌هایی روبه‌رو است. از جمله این که ساختار و تشریفات مراجع قضایی در وضع موجود به گونه‌ای است که در بسیاری از موارد، عملاً امکان اعمال نظام دادرسی منصفانه مقدور نخواهد بود. در این وضعیت پیاده‌سازی راهکارهای مناسب دارای اهمیت است. این سیاست، دارای عناصری خواهد بود که هر کدام از آنها به نوعی در عمل، رسیدگی در نهادهای قضایی را به مفهوم و ماهیت انصاف و عدالت نزدیک یا دور خواهد ساخت. نظر می‌رسد نظارت و اتخاذ رویکرد واحد در این حوزه، عملاً نوعی عدالت رویه‌ای ایجاد خواهد نمود.

امروزه الگوهای رسیدگی موجود در نهادهای قضایی با موانع بسیاری رویارو هستند که بی‌گمان معیارهای شناخته‌شده دادرسی منصفانه را به چالش می‌کشند. در حقوق ایران، دادگاه‌های عمومی و دیوان عدالت اداری و مراجع شبه قضایی اداری، مسئول رسیدگی به امور و اختلافات مربوط به اعضای هیئت علمی می‌باشند. در میان مراجع مذکور، دیوان عدالت اداری از جایگاه بالاتری در خصوص کاربرد اصل امنیت حقوقی برای اعضای هیئت علمی، برخوردار است. در تبیین



این نهاد گفته شده که در نبود دادگاه اختصاصی قانون اساسی در نظام حقوقی ایران، دیوان عدالت اداری نقش دادگاه قانون اساسی را بازی می‌کند. این نهاد قضایی، با توسعه رویه قضایی راجع به حقوق و آزادی‌های بنیادین، اساسی‌سازی حقوق اداری را به صورت واقعی آغاز کرده، به مرور زمان، در اثر اعمال تفاسیر و استناد به قانون اساسی و نیز با به اجرا درآوردن هنجارهای اساسی استخراج شده با این شیوه توسط مقامات سیاسی و اداری و مراجع قضایی، همگان را با اساسی‌سازی تدریجی حقوق اداری، مواجه نموده است و همچنین با ابطال مقررات اداری خلاف قانون اساسی، رشد و اعتلای فرایند اساسی‌سازی را ادامه داده است (جلالی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۲۷).

به منظور شناخت اصل امنیت حقوقی مبتنی بر عدالت رویه‌ای در مورد اعضای هیئت علمی یک پرونده قضایی به گونه‌ای فشرده اشاره می‌شود. در این پرونده پس از آن که یکی از اعضای هیئت علمی دانشگاه... با حکم رئیس مربوطه اخراج شده و در اعتراض به این تصمیم، در دادگاه عمومی حقوقی علیه دانشگاه یادشده اقامه دعوا می‌کند، دادگاه با استناد به این که این اسناد-مورد استناد دانشگاه برای اخراج کارمند مربوطه- در اختیار خواهان به‌عنوان مشتکی عنه قرار نگرفته‌اند و خواهان از محتوای اتهام و ادله آن بی اطلاع بوده است و این امر نقض اولیه حقوق دفاعی اشخاص در برابر مراجع قضایی و اداری محسوب می‌شود، حکم به ذیحق بودن خواهان (عضو هیئت علمی اخراج‌شده) داده می‌شود. اعمال یک جانبه بنا به صلاحدید مجازات اخراج از سوی مسئولان دانشگاه... با فرض وجود مشکلات و دلایل گزینشی و با تصریح به این که هیئت مرکزی گزینش نیز مرجع قانونی تشخیص تقصیر و تخلف اشخاص محسوب نمی‌شود و هرچند مجازات اخراج واجد وصف اداری باشد، خارج از حدود صلاحیت خواندگان و اصولاً امری است که مستلزم اثبات تخلف و یا تقصیر خواهان از رهگذر دادرسی عادلانه و منصفانه توأم با رعایت تضمینات مقرر برای تحقق آن می‌باشد، بنا به مراتب پیش گفته، دادگاه مستنداً به بند ۱۴ از اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، حکم به الزام خواندگان به بازگشت خواهان به کار نیز پرداخت حقوق و مزایای معوق خواهان همراه با هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل می‌نماید. رأی یاد شده در مرحله تجدیدنظر نیز تأیید شد (محمودی، ۱۳۹۵: ۲۱۳، ۲۱۶).

۳. چالش‌های فراروی امنیت حقوقی اعضای هیئت علمی در حوزه آموزش عالی

پس از مطالعه مفهوم امنیت حقوقی اینک لازم است تا مهم‌ترین چالش‌های فراروی این مفهوم در حوزه آموزش عالی از نظر گذرانده شود. این امر در شناسایی مهم‌ترین مصادیق تضمینات عدالت رویه‌ای مبتنی بر اصل امنیت حقوقی در حوزه آموزش عالی سودمند است.

۱.۳. پراکندگی قوانین و مقررات

به طور کلی نظام آموزش عالی ایران آماج مقررات پراکنده بسیاری است که هر یک از آنها یکی از جنبه‌های مربوط به کنشگری اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور را پوشش می‌دهد. همین امر نیز خود می‌تواند آشکارا امنیت حقوقی اعضای هیئت علمی را به مخاطره بیفکند. به ویژه این که تخطی از این مقررات به پیاده‌سازی ضمانت‌اجراهای گوناگون اداری و انضباطی بر این افراد انجامیده و سبب می‌شود که عواقب گوناگونی در محل خدمت و یا فراتر از آن برایشان پدید آید.

۲.۳. فقدان امنیت ناشی از تعدد قوانین و مقررات

بی‌گمان تعدد قوانین و مقررات در حوزه آموزش عالی می‌تواند عدم امنیت و یا دست‌کم احساس نامنی حقوقی را در اعضای هیئت علمی پدید آورد. مداخله حداکثری نظام حقوقی در حوزه آموزش عالی در پرتو تصویب قوانین گوناگون بیش از پیش به محدودسازی کنش‌های اعضای هیئت علمی منجر خواهد شد. حال آن‌که رسالت دانشگاه‌ها در تولید اندیشه مستلزم آن است که اعضای هیئت علمی و نیز دانشجویان از آرامش خاطر برخوردار بوده و بتوانند با استفاده از امکانات لازم، رسالت بنیادین و کاربست ویژه خود را در تولید علم و اندیشه به خوبی انجام دهند. بنابراین وجود قوانین دست و پاگیر جز آن که با افزایش محدودیت‌ها در دانشگاه و یا حتی خارج از آن برای اعضای هیئت علمی، امنیت حقوقی آنان را بر هم زده و با پیدایش چالش‌های گوناگون اجتماعی، روانی، شغلی و... توان فکری آنان را از خود متأثر می‌سازد، پیامد دیگری را به همراه ندارد.

۳.۳. تعدد نهادها، صلاحیت‌های موازی و متعارض

در جامعه مدرن، موازی‌کاری در هر یک از گونه‌ها و جلوه‌های خود امری نامطلوب است که ناکارآمدی یک سازمان و مجموعه را به همراه می‌آورد. از همین رو لازم است که از راه‌های گوناگون در راه پالایش هر یک از مجموعه‌ها و از جمله حوزه آموزش عالی از وجود نهادها و صلاحیت‌های موازی اقدام کرد. از این راه می‌توان انتظار داشت که افزون بر کارآمدسازی هر چه بیشتر کنشگری‌های اعضای هیئت علمی، امنیت حقوقی آنها نیز این حوزه به خوبی فراهم شود. بوروکراسی در سازمان‌های مدرن همچنان اثرگذار است و از این راه احتمال دارد که در حوزه آموزش عالی نیز پیامدهای ناگوار پیش‌گفته تحقق یابد. در نتیجه دست‌اندرکاران نظام حقوقی باید تا آنجا که ممکن است به کاهش قوانین پیاده‌شده و نیز صلاحیت‌ها در قبال اعضای هیئت علمی

بپردازند. چرا که در غیر این صورت آنها برای انجام امور اداری، آموزشی و پژوهشی خود در میان مراجع گوناگون سرگردان می‌شوند و برآین این امر نیز کاهش آشکار کارآمدی آنهاست.

۴.۳. محدودسازی دسترسی به دیوان عدالت اداری در اعتراض اعضای هیئت علمی به آراء بدوی

با آن که حق بر دادخواهی یکی از حقوق بنیادین همه شهروندان در قلمروهای گوناگون نظام حقوقی است، اما این حق تنها به مراجع بدوی اختصاص ندارد. بلکه لازم است در پیش‌بینی اعتراض به آراء بدوی یا رسیدگی‌های تجدیدنظر نیز معیارهای پذیرفته در دکترین بین‌المللی دادرسی‌های گوناگون اداری، مدنی و کیفری رعایت شده و مرجعی بی‌طرف به اعتراضات وارده نسبت به آراء بدوی رسیدگی کند.

بنابراین امنیت حقوقی اعضای هیئت علمی هنگامی به خوبی تحقق می‌یابد که وجود قابلیت اعتراض و یا امکان تجدیدنظرخواهی نسبت به آراء صادره در مرجعی بی‌طرف، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تضمینات پاسداشت حقوق آنان دانسته شده و زیرساخت‌های لازم در این‌باره پیش‌بینی شود. چرا که امکان نقض حقوق افراد در این مراجع بدوی وجود دارد و در نتیجه لازم است مرجعی همانند دیوان عدالت اداری وجود داشته باشد تا معترضان به آراء صادره از سوی مراجع پیش‌گفته با آرامش خاطر اعتراض خود را در دیوان ثبت کنند.

با وجود بداهت این امر، شورای عالی انقلاب فرهنگی با تصویب یک ماده واحده انتقادبرانگیز، با تحدید حق تجدیدنظرخواهی اعضای هیئت علمی از آرای صادره از هیئت‌ها و کمیته‌های تخصصی فعال در وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دانشگاه‌ها و سایر مراکز آموزشی و پژوهشی، امنیت حقوقی آنها را به میزان بسیاری به مخاطره افکند.^۱ ماده واحده یادشده که در ششصد و سی‌امین جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی مورخ

۱. «ماده واحده- آن دسته از تصمیمات و آراء نهائی و قطعی صادره در هیأت‌ها و کمیته‌های تخصصی فعال در وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و دانشگاه‌ها و سایر مراکز آموزشی و پژوهشی مصوب، از جمله؛ تصمیمات و آراء نهائی هیأت‌های امناء، ممیزه و انتظامی اساتید و کمیته انضباطی دانشجویان و همچنین تصمیمات و آراء نهائی در خصوص بازنشستگی، ارتقاء، ارزیابی و پذیرش علمی، بورس دانشجویان و فرصت مطالعاتی که صرفاً در رابطه با امور و شئون تخصصی علمی، آموزشی و پژوهشی صادر شده باشد، قابل شکایت و رسیدگی در دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضائی نخواهد بود.

تبصره- در هر یک از وزارتخانه‌های علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی هیأتی به‌عنوان مرجع نهائی به منظور تجدیدنظر و رسیدگی به شکایات اساتید و دانشجویان از آراء و تصمیمات هیأت‌ها و کمیته‌های مذکور در ماده واحده فوق که در امور و شئون علمی، آموزشی و پژوهشی صادر شده و همچنین به منظور نظارت بر

۱۳۸۷/۰۶/۱۲ به تصویب رسید، تجدیدنظر و رسیدگی به شکایات در امور و شئون علمی، آموزشی و پژوهشی را از فرآیند دادرسی اداری مستثنا کرد و به جای آن که آرای صادره از آنها را قابل تجدیدنظرخواهی در دیوان عدالت اداری بداند، برپایه هیئت عالی تجدیدنظر را در هر یک از وزارتخانه‌های علوم و نیز بهداشت برای رسیدگی به آن پیش‌بینی کرد. مصوبه ۷۶۳ این نهاد نیز در همین راستا، به تحدید پیش‌گفته تداوم بخشیده است.^۱

ماده ۶۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۹۲/۳/۲۵ شعب دیوان را در هنگامی که تشخیص موضوعاتی از قبیل صلاحیت‌های علمی و تخصصی به عهده کمیسیون یا هیئت‌هایی واگذار شده باشد، از ورود به مباحث علمی و تخصصی منع کرد اگرچه آنها را از جهت رعایت ضوابط قانونی و تطبیق موضوع و فرآیند بررسی آن بر اساس قانون یا مصوبه صالح دانسته است.^۲ لذا ماده واحده ۶۳۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی از این نظر که دیوان عدالت اداری را صالح به رسیدگی ندانسته است، بر خلاف ماده ۶۴ مذکور است و وجاهت قانونی ندارد. باید خاطر نشان شود که هیئت عالی تجدیدنظر یک نهاد اداری به شمار می‌آید و در صورتی که عضو هیئت علمی با تصمیم این هیئت موافق نباشد، می‌تواند به استناد ماده ۱۰ قانون پیش‌گفته به دیوان عدالت اداری مراجعه نماید. از این دیدگاه نیز همانگونه که رویه دیوان نیز بر این است که به خاطر اداری دانستن تصمیم هیئت عالی تجدیدنظر، اعتراض به تصمیمات را در صلاحیت خود می‌داند و به آن رسیدگی می‌کند.

نحوه رسیدگی در این هیأت‌ها و کمیته‌ها تشکیل می‌شود. ترکیب اعضاء و وظایف و اختیارات هیأت موضوع این تبصره، به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی خواهد رسید.»

۱. این مصوبه مقرر داشته است: «در اجرای حکم تبصره ماده واحده مصوب جلسه ۶۳۰ مورخ ۱۳۸۷/۶/۱۲ شورای عالی انقلاب فرهنگی و به منظور تجدیدنظر نسبت به آرا و تصمیمات نهایی هیأت‌های امناء، ممیزه، انتظامی اساتید، انضباطی دانشجویان و همچنین آرا و تصمیمات در خصوص بازنشستگی، ارتقاء، آزمون‌ها، ارزیابی و پذیرش علمی، بورس دانشجویان و فرصت‌های مطالعاتی و نظایر آن که صرفاً در رابطه با امور و شئون تخصصی علمی، آموزشی و پژوهشی صادر گردیده و نیز نظارت بر نحوه رسیدگی در هیأت‌ها و کمیته‌های مذکور، هیأت عالی تجدیدنظر در هر یک از وزارتین بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و علوم، تحقیقات و فناوری که از این پس در این مصوبه، به اختصار «وزارتین» نامیده می‌شود و دانشگاه آزاد اسلامی، به طور جداگانه تشکیل می‌گردد...»

۲. این ماده مقرر می‌دارد: «در مواردی که به موجب قانون یا مصوبه‌ای لازم‌الاجرا، تشخیص موضوعاتی از قبیل صلاحیت‌های علمی، تخصصی، امنیتی و گزینشی به عهده کمیسیون یا هیأت‌هایی واگذار شده باشد، شعب دیوان فقط از جهت رعایت ضوابط قانونی و تطبیق موضوع و فرآیند بررسی آن بر اساس قانون یا مصوبه رسیدگی می‌کنند و در صورت شکایت شاکی از حیث تشخیص موضوع، شعبه رسیدگی‌کننده موظف است حسب مورد پس از ارجاع پرونده به هیأت کارشناسی تخصصی ذی‌ربط که توسط شعبه تعیین می‌گردد با کسب نظر آنان، مبادرت به انشا رأی نماید.»

در این خصوص در کارگروه هیئت علمی هیئت عالی تجدیدنظر وزارت علوم از آغاز شکل‌گیری هیئت تا تاریخ ۹۹/۰۹/۲۲ جمعا ۲۲۷ پرونده به ثبت رسید که ۱۲۶ پرونده آن ارجاعی از دیوان عدالت اداری بود و ۱۰۱ پرونده نیز در دبیرخانه تشکیل شد. از این تعداد طی ۶۸ جلسه، ۲۱۳ پرونده مختومه و تعیین تکلیف شد. از این تعداد نیز ۱۰۶ پرونده به صدور رأی از هیئت عالی تجدیدنظر منجر شد.

تردید وجود ندارد که اگر مصوبه ۶۳۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی مبنی بر عدم صلاحیت دیوان عدالت اداری در موضوع فوق مورد عمل قرار گیرد، معیارهای دادرسی منصفانه در مورد اعضای هیئت علمی وارد شده به دادرسی‌های این مراجع با چالش‌های بنیادینی مواجه خواهد شد. چرا که بر خلاف اصول کلی حقوقی و بنیادهای دکترین بین‌المللی دادرسی‌های مدنی، کیفری و اداری، به جای آن که مرجع تجدیدنظر به‌گونه‌ای ساختار و جایگاه یافته باشد که بی‌طرفانه به تجدیدنظرخواهی از رأی تجدیدنظرخواسته رسیدگی کند، این بار و در چارچوب سازمانی خود مرجع صادرکننده رأی بدوی جای گرفته است و بدین ترتیب نمی‌توان چندان به پاسداشت دادرسی منصفانه در این‌باره امیدوار بود. روشن است که با وجود این کاستی آشکار در نهادسازی مراجع دادرسی اداری، تحقق عدالت رویه‌ای با توجه به تأثیر امنیت حقوقی در آن با مخاطراتی جدی مواجه خواهد بود.

۴. مصادیق تضمینات عدالت رویه‌ای مبتنی بر اصل امنیت حقوقی در حوزه آموزش عالی

مصادیق عدالت رویه‌ای مبتنی بر اصول دادرسی منصفانه به منظور رعایت اصل امنیت حقوقی در خصوص اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها، در هیچ متن و سند بین‌المللی حقوقی به طور دقیق مشخص نگردیده است. با این وجود، در سال‌های شکل‌گیری قواعد حقوقی، پاره‌ای از اصول، توسط بسیاری از نظام‌های حقوقی به عنوان مصادیق دادرسی منصفانه معرفی و تکوین یافته‌اند که البته مهم‌ترین ویژگی آنها را می‌توان جهان‌شمولی و مطابقت با اصول حقوق بشری برشمرد. بر پایه این مراتب در ادامه، مهم‌ترین مصادیق دادرسی منصفانه که باید در مراجع قضایی و شبه قضایی مرتبط با پرونده‌های کیفری و غیرکیفری اعضای هیئت علمی رعایت شوند و به تضمین اصل امنیت حقوقی می‌انجامند، اشاره می‌شود. در حال حاضر، آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات انتظامی هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور مصوب ۱۳۶۵/۵/۵ هیئت وزیران و اصلاحات بعدی آن، مهم‌ترین مصوبه اجرایی محسوب می‌شود که عدالت رویه‌ای مبتنی بر اصل امنیت حقوقی، باید در چهارچوب آن بررسی شود.

۴.۱. رعایت حق دادخواهی و دسترسی به مرجع صالح رسیدگی

بدیهی‌ترین جلوه دادرسی منصفانه درباره اعضای هیئت علمی در روبه قضایی که می‌تواند نشان‌دهنده تضمین امنیت حقوقی آنها باشد، حق بر دادخواهی است. در این راستا نظام‌های حقوقی باید تا آنجا که می‌توانند در راستای تسهیل این حق بکوشند. پیش‌بینی پذیرش دادخواست شفاهی و یا امکان فراهم آوردن وکلای معاضدتی نمونه‌هایی از سازوکارهای عملی تسهیل حق است که در سازه‌های گوناگون نظام‌های حقوقی در سرتاسر جهان دیده می‌شود.

در این راستا باید خاطر نشان شود که با پذیرش این حق در اصل ۳۴ قانون اساسی کشورمان، پاسداری از آن رسالتی بنیادین بر دوش کنشگران نظام قضایی به شمار می‌آید. قوانین دادرسی کیفری و مدنی نیز با الزام دادرسان و ضابطین به استماع شکایت خواهان، به پاسداشت حق بر دادخواهی پرداخته‌اند.

افزون بر این، سازمان اداری و استخدامی کشور طی بخشنامه‌ای مصوبه جلسه شماره ۸۳۶ مورخ ۱۳۹۶/۹/۲۹ هیئت عالی نظارت رسیدگی به اتهام تخلفات اداری اعضای هیئت علمی دارای سمت‌های اداری و اجرایی را بر اساس قانون رسیدگی به تخلفات اداری دانسته است. با توجه به این که به موجب تبصره ذیل ماده ۲۶ آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات انتظامی هیأت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور مصوب ۱۳۶۵.۵.۵ و ماده ۱۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری، رسیدگی به تخلفات اعضای هیئت علمی در هیئت‌های انتظامی رسیدگی می‌گردید، این مصوبه هیئت عالی نظارت مغایر با آنها به نظر می‌رسید که باعث اعتراض و درخواست ابطال به دیوان شد. هیئت عمومی دیوان طی دادنامه ۱۹۳۴ مورخ ۱۳۹۷/۱۰/۱۸، این مصوبه را به استناد این که هیئت‌های انتظامی به مواردی که در ارتباط با وظایف آموزشی و پژوهشی صورت می‌گیرد رسیدگی می‌کند نه به تخلفات اداری و با توجه به مؤخر بودن قانون رسیدگی به تخلفات اداری، مصوبه را ابطال نمود.^۱ با توجه به این که تخلفات اعضایی هیئت علمی دارای سمت اجرایی در دو هیئت انتظامی و تخلفات اداری رسیدگی می‌شود، امنیت حقوقی کمتری دارند.

۱. اولاً: قسمت اخیر ماده ۱۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری که اعضای هیأت علمی را از شمول قانون مذکور مستثنی کرده، ناظر به مواردی است که این افراد به امور آموزشی و پژوهشی اشتغال داشته باشند و منصرف از اشتغال آنها در نقش کارمند اداری دستگاه اجرایی است. ثانیاً: با مذاقه در عناوین تخلفات اداری احصاء شده در ماده ۷ قانون و مقررات انتظامی اعضاء هیأت علمی دانشگاه‌ها مشخص می‌شود، تخلفات احصاء شده مربوط به مواردی است که در ارتباط با وظایف آموزشی و پژوهشی صورت می‌گیرد و متفاوت از تخلفات مندرج در ماده ۸ قانون رسیدگی به تخلفات اداری بوده و نوع و سختی آنها یکسان نیست. ثالثاً: در ماده ۱ قانون رسیدگی به تخلفات اداری که قانون مؤخر است رسیدگی به وقوع تخلفات اداری در هر یک از دستگاه‌های مشمول آن قانون را در صلاحیت هیأت رسیدگی به تخلفات

هیئت عمومی دیوان عدالت اداری در دادنامه شماره ۲۳۶۷ الی ۲۳۹۶ مورخ ۱۳۹۸/۸/۱۴ خود در پاسخ به اعتراض جمعی از مشمولین طرح سربازی به خواسته ابطال بخشنامه‌های معاونت انسانی ستاد کل نیروهای مسلح و نیز مرکز جذب وزارت علوم مبنی بر عدم احتساب مدت دوره خدمت وظیفه آنان در شمار سوابق عضویت پیمانی هیئت علمی مقرر داشت وضعیت این مشمولان از همان آغاز طرح سربازی به صورت تعهد خدمتی است و بدین ترتیب بخشنامه مرکز جذب را که استخدام آنان را منوط به گذراندن تعهد خدمت و نیز دو سال افزون بر آن مقرر کرده بود و نیز بخشنامه ستاد کل که تعهد خدمتی این افراد را حداقل ۴۸ ماه تعیین کرده بود، ابطال نمود. پس از آن نیز هنگامی که مرکز جذب، صدور حکم پیمانی اعضای هیئت علمی را منوط به گذراندن دوره ضرورت ۴۸ ماهه کرده بود، هیئت عمومی دیوان در دادنامه شماره ۳۹۶ مورخ ۱۳۹۹/۳/۱۳، این بخشنامه را نیز باطل نموده تا بدین ترتیب بر رأی پیش گفته خود تأکید ورزیده باشد.

۲.۴. رعایت منع محاکمه مجدد

یکی از اصول دادرسی منصفانه، قاعده منع تعقیب و محاکمه مجدد می‌باشد که در بسیاری از اسناد بین‌المللی از جمله بند ۷ ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بدان اشاره شده است. این قاعده از قواعد ناظر به نظم عمومی است و به این علت که اولاً در تمام مراحل اعم از تعقیب یا رسیدگی و حتی در مرحله تجدیدنظر و فرجام نیز از سوی ذینفع قابل اعمال است. در ثانی، مقام قضایی اعم از دادستان، قاضی تحقیق و دادگاه مکلفند پس از اطلاع، رأساً از ادامه تحقیق و رسیدگی امتناع کرده، به اصدار قرار موقوفی تعقیب مبادرت ورزند (آشوری، ۱۳۸۴: ۲۳۴). بدین جهت، توجه به اصل منع محاکمه مجدد، در خصوص اعضای هیئت علمی حائز اهمیت است. اعمال مخالف قانون کارمندان دولت و از جمله اعضای هیئت علمی گاه بر خلاف ملاحظات اداری بود و جنبه تخلف داشته و گاه نیز همانند دیگر شهروندان نقض ماده‌ای از قوانین کیفری پنداشته شده و عنوان مجرمانه می‌یابد. در این حالت، اگر رفتاری از سوی این اعضا واجد هر دو عنوان باشد، رسیدگی دوگانه به آن در مراجع انتظامی و نیز کیفری را نمی‌توان ناقض اصل رعایت منع محاکمه مجدد دانست.

بنابراین هنگامی که از اصل منع محاکمه مجدد درباره اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها سخن گفته می‌شود، منظور منع رسیدگی دوباره به یک تخلف در مراجع شبه قضایی موجود در نظام

اداری کارمندان آن دستگاه قرار داده است، بنابراین مصوبه مورد شکایت بر خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات مرجع وضع آن نیست و قابل ابطال تشخیص نشد.

آموزش عالی است. بدین ترتیب وارد کردن آنان به فرآیند کیفری با این اصل منافات ندارد. چرا که بر پایه اصل تساوی افراد در برابر قوانین کیفری اعضای هیئت علمی نیز همانند دیگر شهروندان باید پاسخگوی اتهامات وارده بر خود در مراجع کیفری باشند و این امر صرف نظر از دارا بودن جنبه تخلف برای رفتارهای آنها است.

۳.۴. رعایت اصل برائت

از جمله اصولی که امروزه حقوق کیفری بر مبنای آن استوار بوده و یکی از معیارهای اعمال عدالت محسوب می‌گردد، اصل برائت است. اصل برائت عبارت از فرض بی‌گناهی متهم تا زمان اثبات گناه- کاری وی در دادگاه صالح می‌باشد. این اصل دارای اهمیت زیادی بوده و تأثیر گسترده‌ای بر تحقق عدالت و رعایت حقوق بشر دارد (فروتن و دیگران، ۱۳۹۶: ۵۹).

اصل برائت تقریباً در همه نظام‌های حقوقی مدرن جهان دیده می‌شود. حتی در دوران گذشته نیز تصریح مراجع قاعده‌گذار به این اصل آشکارا دیده می‌شود. برای نمونه در فقه اسلامی می‌تواند ادله گوناگونی را در کتاب و سنت پیرامون ضرورت پاسداشت اصل برائت دید (فیروزیان حاجی، ۱۳۹۷: ۱۶۷). تأکید بر رعایت اصل برائت در قوانین موضوعه کشورمان نیز آشکارا دیده می‌شود.

امروزه رعایت اصل برائت منحصر به دادرسی کیفری نیست. صرف نظر از کیفری یا شبه کیفری، اداری، انضباطی و یا انتظامی تلقی نمودن رسیدگی و مجازات، و قضایی یا غیرقضایی بودن مقام و مرجع تعقیب‌کننده، هرگاه شخصی در معرض تعقیب، اتهام و محکومیت قرار گیرد، هیچ یک از مراجع قضایی و غیرقضایی مداخله‌کننده (مستقیم و غیر مستقیم) در دعوی و همچنین رسانه‌ها حق نقض اصل بی‌گناهی شخص مظنون و مورد تعقیب را قبل از اعلام مجرمیت یا متخلف بودن به وسیله مرجع ذیصلاح که اصولاً پس از طی مراحل قانونی صورت می‌پذیرد، ندارد. در برخی موارد، آثار مالی، محرومیت، ممنوعیت و همچنین آثار غیرمستقیم یک مجازات اداری یا انضباطی می‌تواند دارای اهمیت بیشتری نسبت به برخی مجازات‌های کیفری برای شخص در معرض این مجازات‌ها باشد (یاوری، ۱۳۸۸: ۳۲۱). از آنجا که اعضای هیئت علمی در نتیجه عدم توجه به اصل برائت و قرار گرفتن در معرض اتهامات مختلف، متحمل خسارات زیادی همانند از دست دادن کلاس‌های دانشگاهی و توقف ارائه خدمات علمی به دنبال مراجعه به محاکم قضایی و شبه قضایی در ساعات اداری می‌شوند، لازم است اصل برائت در خصوص آنها با توجه بیشتری رعایت شود.

۴.۴. رعایت علنی بودن رسیدگی

امروزه اصل علنی بودن محاکمات به عنوان یک معیار مهم در دادرسی‌های منصفانه مورد تأکید اسناد بین‌المللی همچون ماده ۱۰ اعلامیه جهانی حقوق بشر قرار گرفته است. قانون آیین دادرسی کیفری ایران نیز اصل را بر علنی بودن رسیدگی نهاده و تنها در موارد خاصی از آن عدول کرده است.

با وجود این مطالعه قوانین بیشتر مراجع شبه قضایی نشان می‌دهد که قانون‌گذار تمایلی به برگزاری علنی جلسات رسیدگی نشان نداده است. برای نمونه، بر طبق ماده ۱۶۲ قانون کار، با توجه به جنبه ترافعی دادرسی کار، دعوت کتبی از طرفین اختلاف برای حضور در جلسه رسیدگی هیئت‌های (مراجع) حل اختلاف الزامی دانسته شده است که این امر را می‌توان دلیلی بر نظر مقنن مبنی بر لزوم علنی بودن دادرسی کار در ایران دانست (رفیعی، ۱۳۹۰: ۱۶۳). رعایت اصل علنی بودن رسیدگی، در ماده ۱۶ آیین نامه اجرایی قانون مقررات انتظامی هیئت علمی دانشگاه‌ها نقض شده است.^۱

۴.۵. رعایت امکان دفاع یا لزوم تساوی طرفین دعوی

به طور کلی امکان دفاع یا تساوی طرفین دعوی، مفهومی موسع بوده و شامل مصادیق مختلفی است که رعایت آنها در دادرسی، می‌تواند منجر به تضمین دادرسی منصفانه و اصل امنیت حقوقی گردد. از جمله این مصادیق می‌توان به برخورداری از مهلت کافی جهت تدارک پرونده، برخورداری از امکانات و تسهیلات کافی برای دفاع از خود، اطلاع‌رسانی در خصوص ادله و استدلال‌های طرف مقابل، تساوی اشخاص در مقابل انواع نهادهای قضایی، برخورداری از حق مشورت و داشتن وکیل در تمامی مراحل رسیدگی، داشتن مترجم و برخورداری از معاضدت قضایی اشاره داشت (هداوند، ۱۳۹۱: ۲۷۹). به این موارد در قوانین آیین دادرسی توجه شده است. با این وجود، مصادیق فوق‌الذکر در بیشتر مراجع شبه قضایی به صراحت بیان نشده و چه بسا به بهانه فقدان چنین مقرراتی، دادرسی منصفانه در مراجع شبه قضایی مذکور به خطر افتد. موضوع مورد اشاره در ماده ۱۴ آیین نامه اجرایی قانون مقررات انتظامی هیئت علمی مورد توجه قرار گرفته است. مطابق این ماده: «پس از وصول گزارش مذکور، رونوشت آن به وسیله اداره کارگزینی به متخلف طبق مقررات آیین دادرسی مدنی ابلاغ و نامبرده مکلف است ظرف ده روز پس از رؤیت گزارش، لایحه دفاعیه خود را همراه با مدارک و مستندات خود به کارگزینی تسلیم و رسید دریافت کند.»

۱. «جلسات رسیدگی هیأت‌ها غیرعلنی بوده و هیأت پس از قرائت گزارش محقق و لایحه دفاعیه متخلف، چنانچه نیازی به حضور متخلف و اخذ توضیحات شفاهی از وی نباشد، مبادرت به صدور رأی می‌نماید.»

تردید و وجود ندارد که لازمه پاسداشت حقوق دفاعی عضو هیئت علمی در مراجع شبه قضایی تجدیدنظر در نظام آموزش عالی، ابلاغ رأی بدوی به وی به منظور تدارک دفاعی متناسب است. بدین ترتیب مشاور دیوان عدالت اداری با استناد به ماده ۴ قانون مقررات انتظامی هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی و تحقیقاتی کشور مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۶ به دلیل لزوم ابلاغ رأی هیئت بدوی به شاکی و طرح در هیئت تجدید نظر در صورت اعتراض به آن بدان ایراد نمود. چرا که همان گونه که پیشتر گفته شد، عدم ابلاغ رأی هیئت بدوی به شاکی می‌تواند حقوق گوناگون همانند حقوق دفاعی و نیز حق بر دادخواهی را تا اندازه بسیاری به چالش بکشد.

۶.۴. رعایت مستدل و موجه بودن آراء

اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها و به تبع آن قانونی بودن تخلفات و مجازات‌های انتظامی به‌عنوان یکی از تضمینات اساسی امنیت قضایی و عدالت کیفری به شمار می‌رود که به‌عنوان یک تجربه موفق تاریخی در نظام بین‌المللی و حقوق داخلی مورد استقبال قرار گرفته است. در متون داخلی بر این اصل تأکید فراوانی شده است.

بر اساس اصل یکصد و شصت و نهم قانون اساسی: «هیچ فعلی یا ترک فعل به استناد قانونی که بعد از آن وضع شده جرم محسوب نمی‌شود» و قانونی بودن جرم در اصل سی و ششم قانون اساسی که مقرر می‌دارد: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد»، مورد تأکید قرار گرفته است. با این وجود در محاکم شبه قضایی کار و نیز آیین نامه اجرایی قانون مقررات انتظامی هیئت علمی دانشگاه‌ها رعایت اصل مستدل بودن و موجه بودن آراء، مورد توجه قرار نگرفته است.

۷.۴. رعایت اصل بی طرفی

لزوم بی طرف بودن شخص قضاوت کننده نسبت به اشخاص طرف اختلاف، از اصول اولیه و بدیهی دادرسی است. قانون آیین دادرسی در مراجع قضایی به خوبی بر این مهم تأکید کرده است. این اصل در قالب قاعده رد دادرسی و بی طرفی و استقلال مقام رسیدگی کننده متجلی می‌گردد. ماده ۹۱ آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹، مواردی را که می‌تواند باعث شبهه خروج بی طرفی قاضی شود، از موارد رد دادرسی شمرده است که حتی بدون نیاز به ایراد اصحاب پرونده، قاضی باید خود از رسیدگی خودداری کند؛ مواردی مانند وجود قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرسی با یکی از اصحاب دعوی و یا داشتن نفع شخصی دادرسی یا همسر و فرزند او در موضوع مطروحه. در مراجع شبه قضایی معمولاً این امر لحاظ نمی‌شود.

در آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات انتظامی هیئت علمی دانشگاه‌ها، اصل بی طرفی به صورت مستقیم اشاره نشده است. با وجود این ماده ۲۲ آیین‌نامه مذکور بیان می‌دارد: «در صورتی که متخلف نسبت به صلاحیت بعضی از اعضای هیئت علمی ایراد نماید، هیئت مکلف است قبل از شروع به رسیدگی، نسبت به این موضوع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید.»

۴.۸. رعایت حق اعتراض و تجدیدنظرخواهی

رسیدگی مجدد به پرونده در محاکم قضایی با انگیزه‌های متعددی صورت می‌گیرد. به طور خلاصه می‌وان گفت ممکن است در حین رسیدگی بدوی، به دلایل و مستندات ابرازی طرفین توجه کافی صورت نگرفته و یا در تطبیق موضوع با مواد قانونی اشتباه عمدی و یا سهوی شکل گرفته باشد. بنابراین، داشتن حق اعتراض از سوی ذینفع باعث تضمین دادرسی گردیده و از آن به یکی از اصول دادرسی منصفانه تعبیر می‌شود. اما حق اعتراض و تجدیدنظرخواهی در مراجع شبه قضایی کار، نظام پزشکی، اداری و دانشجویی، با ترتیبات مختلفی تجلی یافته است. در مراجع حل اختلاف کارگری، تعبیه هیئت‌های حل اختلاف در ماده ۱۵۹ قانون کار، به منظور اعتراض و تجدیدنظر از آرای هیئت‌های تشخیص را می‌توان نمونه حق اعتراض طرفین اختلاف برشمرد. رعایت حق اعتراض و تجدیدنظرخواهی مدنظر آیین‌نامه اجرایی قانون مقررات انتظامی هیئت علمی بوده است. در ماده ۲۴ این آیین‌نامه ذکر شده: «هیئت‌ها مکلفند در متن آرای خود، قطعی یا قابل تجدیدنظر بودن و مهلت درخواست تجدیدنظر را ذکر نمایند (مطابق مهلت موضوع ماده ۲۰)».

بر پایه این مراتب لازم است در اصلاحات آتی، چالش‌های ناشی از دادخواهی اعضای هیئت علمی از تصمیمات مراجع بدوی به جای هیئت‌های تعیین‌شده در وزارتین که در جلسه ۶۳۰ شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شد، در دیوان عدالت اداری انجام شود. تنها در این صورت است که می‌توان باور داشت که حق بر اعتراض و تجدیدنظرخواهی این اعضا به خوبی و بر پایه معیارهای دادرسی منصفانه پاس داشته شده است.

البته باید خاطر نشان شود که به دلیل آن که شورای عالی انقلاب فرهنگی شأن تقنینی نداشته و این شأن بنا به اصول صرفاً در صلاحیت قوه مقننه است، برخی از شعب دیوان محدودیت یادشده را نپذیرفته و خود را صالح به رسیدگی به اعتراض به آراء بدوی مراجع شبه قضایی یادشده در نظام آموزش عالی می‌دانند.

۹.۴. رعایت تشریفات رسیدگی

تشریفات رسیدگی بدان جهت در دادرسی های مختلف حائز اهمیت هستند که رعایت آنها منجر به برقراری نظم در جلسه رسیدگی و حفظ حقوق اصحاب دعوی می گردند. از جمله این تشریفات می توان به ابلاغ به موقع اوراق دعوی، لزوم به حد نصاب رسیدن هیئت ها یا کمیسیون های شبه قضایی یا مراجع رسیدگی قضایی نام برد.

به طور کلی در زمینه تشریفات رسیدگی در گونه های دادرسی و از جمله در دادرسی های ناظر به اعضاء هیئت علمی باید به خاطر داشت که پیاده سازی این سازوکارها به عنوان حقی مکتسبه برای افراد شناخته می شود و از همین رو کنشگران مراجع شبه قضایی و قضایی باید تا آنجا که ممکن است در راه تحقق بیشینه ای آن کوشا باشند.

این آموزه بدین خاطر است که در حقوق شکلی بر خلاف حقوق ماهوی قانونگذار در پی دستیابی به مناسب ترین و کارآمدترین راهکارهای تحقق حقوق گوناگون افراد در پرتو سامان بخشیدن به فرآیند دادرسی است. از همین رو از دیرباز اصل بنیادین کیفیت دادرسی در دکتترین دادرسی های مدنی، کیفری و اداری پیش بینی شده است. در نتیجه هنگامی می توان به تحقق این اصل و حقوق بنیادین افراد بر آن باور بود که تشریفات مقرر شده در قانون که حقی مکتسبه را برای افراد پدید می آورند، در بیشترین میزان خود تحقق یابند.

در آیین نامه اجرایی قانون مقررات انتظامی هیئت علمی جلوه هایی از ضرورت رعایت تشریفات رسیدگی دیده می شود. به گونه ای که واضعان آیین نامه کوشیده اند تا از این راه، اعضاء مربوطه بتوانند برای نمونه در مهلتی مناسب اقدامات قضایی مدنظر خود را انجام دهند. نمونه بارز این امر نیز در زمینه تجدیدنظر خواهی اعضاء هیئت علمی از آراء صادره از سوی مراجع بدوی رسیدگی به تخلفات این اعضا دیده می شود.^۱

نتیجه گیری

تحقق امنیت حقوقی برای هر یک از شهروندان جهت انجام نقش ها و نیز کارکردهای متناسب با پایگاه های اجتماعی آنها ضرورت دارد. در این میان برخی از شهروندان با توجه به جایگاه های شغلی

۱. ماده ۱۹ آیین نامه رسیدگی به تخلفات اعضاء هیأت علمی دانشگاه ها... مقرر می دارد: «آرای صادره توسط هیات های بدوی که قابل تجدیدنظر می باشد، باید حداکثر ظرف مدت ۱۵ روز به عضو هیات علمی ابلاغ شود و چنانچه آرای مزبور ظرف یک ماه برای افراد داخل کشور و دو ماه برای افراد خارج از کشور از تاریخ ابلاغ به افراد متخلف، توسط وی درخواست تجدیدنظر نشود، مطابق ماده ۴ قانون مقررات انتظامی و با دستور بالاترین مقام اجرایی دانشگاه یا موسسه مربوطه اجرا خواهد شد.»

و نیز انتظارات موجود از آنها نیاز بیشتری به تحقق این گونه از امنیت دارند و از همین رو کنشگران نظام حقوقی کشور باید در این راه از همه بسترهای لازم استفاده کنند. این بسترها از یک سو در قانون و از سوی دیگر در رویه قضایی چهره می‌یابد.

بنابراین اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها که به تربیت متخصصان موردنیاز جامعه می‌پردازند، باید با دارا بودن بیشترین میزان امنیت حقوقی بتوانند تا آنجا که ممکن است توسعه پایدار کشور را شتاب بخشند. این مهم هنگامی تحقق می‌یابد که قانونگذار، کنشگران اجرایی نظام آموزش عالی و نیز دست‌اندرکاران مراجع قضایی و شبه قضایی با درک اهمیت تحقق هر چه بیشتر امنیت حقوقی برای این افراد بکوشند تا مخاطرات گوناگون پدید آمده در این قلمرو کاهش یابد.

با این وجود به دلیل ماهیت انتزاعی اصل امنیت حقوقی و فاصله گرفتن قواعد حقوقی و عدم توجه مراجع مختلف به این اصل، نیاز به تضمین آن به روش‌های مختلف، احساس می‌شود. مصادیق اصل امنیت حقوقی به عنوان یک اصل حقوق عمومی، تحت مقررات مختلف کشور مورد تأکید قرار گرفته است. در این راستا، عدالت رویه‌ای می‌تواند با ایجاد وحدت رویه قضایی، به تحقق این اصل در خصوص اعضای هیئت علمی کمک کند. اجرای این اصل در مراجع رسیدگی، در صورتی که تحت لوای اصول دادرسی منصفانه قرار گیرد، از تضمین بیشتری برخوردار خواهد بود.

در این راستا، تفهیم مصادیق اصل امنیت حقوقی به مقامات رسیدگی کننده به مجازات و تخلفات اعضای هیئت علمی، با توجه به جایگاه و مشروعیت این اصل و نیز شخصیت و موقعیت این افراد به عنوان یک ساز و کار اجرایی هدفمند، حائز اهمیت است.

تردید وجود ندارد که نهادینگی پاسداشت اصل امنیت حقوقی و مصادیق گوناگون آن در عدالت رویه‌ای می‌تواند با گذشت زمان آگاهی همه کنشگران نظام آموزش عالی را از بایسته‌ها، کارکردها و نیز پیامدهای تحقق آن افزایش دهد. در این صورت امید می‌رود که صاحبان اندیشه در دانشگاه‌ها بتوانند با آزادی کامل و در چارچوب اصل حاکمیت قانون، رسالت بنیادین خود را در راه تربیت مدیران آینده انجام دهد. اما مخاطرات فراروی امنیت حقوقی اعضای هیئت علمی می‌تواند با تزریق احساس عدم امنیت به این افراد آنان را از مجهز شدن به روزآمدترین یافته‌های علمی بازداشته و از این راه روند توسعه پایدار کشور را با مخاطرات بسیار مواجه کند.

منابع

آقابابایی، حسین (۱۳۸۹)، *قلمرو امنیت در حقوق کیفری*، چ اول، تهران: نشر سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

آشوری، داریوش (۱۳۶۶)، **دانشنامه سیاسی**، چ اول، تهران: انتشارات سهروردی و انتشارات مروارید.

آشوری، محمد (۱۳۸۴)، **آیین دادرسی کیفری**، چ اول، چ دهم، تهران: نشر سمت.
 اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶)، **امنیت در نظام سیاسی اسلام**، چ اول، تهران: نشر کانون اندیشه جوان.

پرستش، رضا، موسوی زاده مرکیه، سید شهاب الدین (۱۳۹۴)، «**حریم خصوصی مقامات عمومی**»، **مطالعات حقوقی معاصر** (فقه و حقوق اسلامی سابق)، دوره ۶، ش ۱۱، ص ۸۳-۵۵.
 توکلی، هدیه (۱۳۹۱)، «**مؤلفه‌های اصل امنیت حقوقی در نظام جمهوری اسلامی ایران**»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: رشته حقوق عمومی، دانشگاه علامه طباطبایی.
 جعفری تبار، حسن (۱۳۸۳)، **مبانی فلسفی تفسیر حقوقی**، چاپ اول، تهران: نشر شرکت سهامی انتشار.

جلالی، محمد، سعیدی روشن، حمیده (۱۳۹۵)، «**نقش دیوان عدالت اداری در صیانت از قانون اساسی**»، **مجله حقوقی دادگستری**، سال هشتم، شماره ۹۴، ص ۱۴۰-۱۱۷.
 حاج زاده، هادی (۱۳۹۵)، «**از امنیت قضایی تا عدالت ماهوی**» (نگاهی دوباره به نسبت عدالت و امنیت در حوزه فقه و امنیت ملی)، **آفاق امنیت**، سال نهم، ش ۳۳، ص ۷۲-۶۳.
 حسینی، سیده لطیفه (۱۳۹۳)، «**بررسی مفهوم دادرسی عادلانه**»، پژوهشکده شورای نگهبان، گزارش پژوهشی، شماره ۹۰.

حیاتی، علی عباس (۱۳۹۷)، «**مفهوم اصل حقوقی و مقایسه آن با قاعده حقوقی**» (مقایسه تطبیقی در حقوق ایران و فرانسه)، **دانش حقوقی مدنی**، دوره ۷، شماره ۲، ص ۲۶-۱۵.
 رفیعی، احمد (۱۳۹۰)، «**حل اختلاف کار در نظام حقوقی ایران در پرتو اصول دادرسی منصفانه**»، رساله دکتری، تهران: رشته حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی.
 ساکت، محمد حسین (۱۳۸۷)، **حقوق شناسی؛ دیباچه‌ای بر دانش حقوق**، چ اول، تهران: نشر ثالث.

سیفی زیناب، غلامعلی، امیر اقدم، ریما (۱۳۹۵)، «**بررسی تطبیقی نقش رویه قضایی در تحقق امنیت قضایی و اقتصادی در حقوق ایران و مصر**»، **مبانی فقهی حقوق اسلامی**، دوره ۹، شماره ۱۷، ص ۱۹۱-۱۵۷.

صادقی، محسن (۱۳۹۴)، **اصول حقوقی و جایگاه آن در حقوق موضوعه**، چ دوم، تهران: نشر میزان.

- فروتن، مصطفی و دیگران (۱۳۹۶)، «اصل برائت در حقوق کیفری ایران، افغانستان و اسناد بین‌المللی»، اندیشمندان حقوق شماره ۱۳، ص ۷۷-۵۹.
- فلسفی، هدایت ا... (۱۳۹۰)، صلح جاویدان و حکومت قانون، چ ۱، تهران: نشر فرهنگ نشر نو.
- فیروزیان حاجی، ابراهیم (۱۳۹۷)، «اصل برائت و حقوق شهروندی و ریشه‌های آن»، پژوهش دینی، شماره ۳۶، ص ۱۸۲-۱۶۵.
- علینقی، امیر حسین (۱۳۷۹)، «امنیت قضایی»، مطالعات راهبردی، دوره ۳، شماره ۱۰، ص ۶۴-۵۰.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵)، فلسفه حقوق، ج ۳، چ ۵، تهران: نشر میزان.
- محمودی، جواد (۱۳۹۵)، درآمدی بر نظام حقوقی دانشگاه‌های ایران-دولتی و غیر دولتی، چ اول، تهران: انتشارات بنیاد حقوقی میزان.
- معین، محمد (۱۳۶۳)، فرهنگ فارسی (متوسط)، ج اول، چاپ ششم، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- نوروزی، کامبیز (۱۳۹۰)، «امنیت قضایی و سازمان قضا در جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات راهبردی، دوره ۳، شماره ۱۰، ص ۸۰-۶۸.
- ویژه، محمدرضا (۱۳۹۰)، «امنیت حقوقی به مثابه شرط تحقق امنیت قضایی»، راهبرد، ش ۵۸، ص ۱۳۰-۹۵.
- ویژه، محمدرضا و دیگران (۱۳۸۹)، مبانی نظری حق برخورداری از امنیت حقوقی با تأکید بر نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، چ اول، تهران: انتشارات مجد، چاپ اول.
- هداوند، مهدی، مشهدی، علی (۱۳۸۸)، اصول حقوق اداری (در پرتو آرا دیوان عدالت اداری)، چاپ اول، تهران: انتشارات خرسندی.
- یاوری، اسدالله (۱۳۸۸)، «رعایت اصل برائت در رسیدگی‌های شبه قضایی در حقوق فرانسه در پرتو کنوانسیون اروپایی حقوق بشر»، مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۱۲، ش ۴۹، ص ۳۸۵-۳۲۱.